

منهای فوتبال

پرونده سیاه دوومیدانی

۲۵ آذر بود که پس از حدود ۶ ماه بالاخره حکم سه ورزشکار و یک مربی دوومیدانی ایران که به اتهام تجاوز به یک دختر کره‌ای در این کشور زندانی بودند، صادر شد. بر اساس این حکم عنوان شده که دو نفر از آنها تبرئه و دو نفر دیگر هم به دو تا چهار سال حبس محکوم شدند. اما واکنش فدراسیون دوومیدانی در این مورد جالب بود؛ هیچ یک از مسئولان فدراسیون از جمله احسان حدادی (رئیس این فدراسیون) حاضر به اظهار نظر در مورد حکم ورزشکاران نشدند، حتی ابرج اکبر لوسخنگوی فدراسیون دوومیدانی در امور مربوط به رسیدگی به پرونده ورزشکاران ایران در کره جنوبی اطنز تلخی که حاکی از نگاه مدیریتی حاکم بر یکی از مهم‌ترین رشته‌های ورزشی کشور در زمینه پاسخگویی به مردم است. به گزارش ایسنا، پاسخ ندادن به افکار عمومی در حالی اتفاق می‌افتد که فدراسیون دوومیدانی یکی از حساس‌ترین و حاشیه‌ای‌ترین موضوعات تاریخ ورزش ایران را رقم زد، آن هم در سفری که رئیس فدراسیون هم در آن حضور داشت. هر چند نام حدادی به عنوان سرپرست تیم رد نشده بود اما به عنوان رئیس فدراسیون این تیم بر حاشیه راهم راهی می‌کرد.



این ماجرا چهره دیگری از مدیریت ضعیف فدراسیون در پاسخگویی را نشان داد؛ آنجا که ۲۰ روز از تبرئه دو دوومیدانی کار ایران گذشته اما هنوز خبری رسمی از زمان بازگشت آنها به ایران نیست. این در حالی است که بارها اعلام شده تیمی از وکلای کره‌ای پرونده ورزشکاران ایران را پیگیری می‌کنند. اما سوال اینجاست که چند روز دیگر نیاز است تا دو فرد تبرئه شده به ایران برگردند؟

پرونده دوومیدانی تنها با صدور حکم بسته نمی‌شود؛ مسئولیت فدراسیون از لحظه اعزام آغاز شده و تا پاسخگویی شفاف به افکار عمومی ادامه دارد. وقتی دوورزشکار تبرئه شده‌اند، تاخیر در بازگشت آنها نبود اطلاع‌رسانی رسمی، آ یا نشانه‌ای آشکار از مدیریت متغلاانه در قبال پاسخگویی نیست؟ فدراسیونی که ورزشکارانش ورزش ایران را وارد یکی از پر هزینه‌ترین بحران‌های اخلاقی و بین‌المللی کرده، حالا بیش از هر زمان دیگری به‌دهکرا توضیح است؛ توضیحی که هر روز تاخیر در آن به معنای بی‌توجهی بیشتر به حق دانستن افکار عمومی است.

■ ■ ■

مرد تمام‌نشدنی



لس آنجلس لیکرز با مبادد دوشنبه ۱۵ دی به مصاف ممفیس گریزلیز رفت و در نهایت با نتیجه ۱۲۰ بر ۱۱۴ پیروز شد. لوکا دانچیک برای لس آنجلس لیکرز ۱۳۶ امتیاز گرفت ۹ ریباند داشت و هشت پاس گل داد و درخشید. لبران جیمز هم ۲۶ امتیاز گرفت، ۶ ریباند داشت و ۱۰ پاس گل را هم به ثبت رساند. لبران جیمز در این مسابقه مجموع پاس گل‌های دوران حرفه‌ای خود (شامل پلی‌آف) را به ۱۳۷۸۶ رساند و با عبور از کریس پال به مقام دوم این رکورد در تمام دوران رسید. او همچنین اولین بازیکن تاریخ NBA است که در امتیازآوری و تبه‌اول و در پاس گل رتبه دوم را کسب می‌کند. فوق ستاره ۴۱ ساله نشان داده تمام‌نشدنی است و هنوز هم می‌تواند در شرایط سخت به تیمش کمک کند.

■ ■ ■

ستاره‌ها در اردوی فرنگی

دومین اردوی تیم ملی کشتی فرنگی برای حضور در رقابت‌های رنکینگ کرواسی از روز گذشته آغاز شد و تا ۲۳ دی ماه در خانه کشتی ادامه دار د. پیش از این مسابقات قهرمانی کشور که هر حل‌حلول چرخه‌انتخابی کشتی‌محسوب می‌شد، برگزار و نرات نخست این مسابقات هم به اردوی تیم ملی دعوت شدند. علاوه بر این برخی ملی پوشان همچون پویا دادمرز و محمدرضا گری‌ای با وجود اینکه در مسابقات قهرمانی کشور حضور پیدا نکردند اما به اردوی تیم ملی دعوت شدند.



پویا دادمرز در وزن ۵۵ کیلوگرم در مسابقات قهرمانی کشور شرکت نکرد که پس از آن هم اعلام شد دچار مصدومیت بوده‌اما پس از مدتی اعلام شد که مدارک پزشکی او به دلیل مصدومیت از سوی فدراسیون تایید نشده است. بااین حال فدراسیون و اعضای کادر فنی به این نایب‌قهرمان جهان فرصت دوباره دادند و با وجود اینکه در مسابقات قهرمانی کشور شرکت نکرده اما به تیم ملی دعوت شده است. اولین رویودار نیکینگ جهانی هم میزبانی کرواسی (۱۵ تا ۱۹ بهمن) پیش روی کشتی فرنگی است و به نظر می‌رسد پویا دادمرز و محمدرضا گری‌ای در این مسابقه شرکت خواهند کرد و پس از آن وارد چرخه انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی خواهند شد.

آر یا طاری

قطور و غم‌انگیز «سال‌های پس از فرگوسن» بدل شد؛ قصه مردی که در میان باران‌های منچستر، تنها ماند.

صبح روز دوشنبه، پنجم ژانویه ۲۰۲۶، هوای بالیندهای فاتحانه در لیسبون شروع شد و در سرمای ژانویه منچستر به بن‌بست رسید. در تئاتر رویاها، چراغ‌ها یک بار دیگر برای مردی که قرار بود منجی باشد، خاموش شد. روبن آموریم، معمار پر تغالی که با لیلخندی از جنس امید و ایده‌هایی از جنس نواندیشی به منچستر آمده بود، حالا به نامی دیگر در فهرست بلندبالای قربانیان صندلی داغ اولدترافورد تبدیل شده است. این، روایت سقوط رویا پردازی است که می‌خواست تاریخ را بازنویسی کند، اما در نهایت، خود به فصلی تکراری از کتاب

چهره به چهره

وقتی ساپینتو و حسینی داشتند هوادار را فریب می‌دادند

جنگ بی‌برنده

نازنین دشتی

فوتبال ایران مدت‌هاست که از مستطیل سبز خارج شده و در فضای لجن آلود استوری‌ها و افشاگر ی‌های شبانه غرق شده است. اما آنچه طی روزهای اخیر میان ریکاردو ساپینتو و سیدحسین حسینی گذشت، فراتر از یک درگیری لفظی ساده، نمایش تهوع‌آوری از تزویر و خودمحوری بود. تماشای این دو، شبیه تماشای آینده‌ای است که در هر دو سمت آن، چیزی جز منفعت‌طلبی دیده نمی‌شود. یکی پشت نقاب شور و تعصب پنهان شده و دیگری پشت سپر مظلوم‌نمایی و قداست بازوبند.

بیا بید با مرد پر تغالی شروع کنیم. ریکاردو ساپینتو محبوب شد چون هوادار فکر می‌کرد او برای استقلال کاینوش رحمتی و حسینی در ست باشد(که شواهد هم همین را می‌گوید) اما ما مربی‌ای طرف هستیم که اصول اولیه همبستگی صنفی را نمی‌شناسد. چطور می‌شود مربی‌ای که دم از اخلاق و پسر خواندن بازیکنانش می‌زند، در تاریکی شب برای صندلی همکارش (نکونام) نقشه بکشد؟ این رفتار، نامش تعصب نیست؛ این یک فرصت‌طلبی عریان است. ساپینتو نشان داد که نیمکت استقلال برای او نه یک مسئولیت، بلکه یک ملک غصبی است که برای به دست آوردنش، حاضر است حتی از روی جنازه همکارانش رد شود. اما مضحک‌ترین بخش ماجرا، طلبکاری او از حسینی است. آقای ساپینتو! شما که خودت در حال مذاکره پنهانی بودی، چطور به دیگران درس وفاداری می‌دهی؟

اتفاق روز

سرزآوریه رفت، ایگور سرگیف آمد

خرید داغ زمستانه

نگار رشیدی

باشگاه پرسپولیس چند روز اخیر را تحت تأثیر خبر اخراج سرژ اوریه قرار داشت. بازیکنی که قرار بود بهترین خرید خارجی فقط پرسپولیس، بلکه فوتبال ایران باشد اما این ستاره خاموش از آن سوی بام افتاد و با سبیل عظیمی از مشکلات و بیماری‌ها سرانجام درهای خروج را مقابل چشمان خود دید. هر چند این اتفاق هم تبعاتی برای باشگاه دارد و انتقاده‌ها از خرید او به مدیریت وقت به این زودی‌ها تمام نخواهد شد اما کاری که اوسمار می‌کنند این است که چشم‌هایش را به روی این ماجرا ببندند و تمام تمرکزش را روی تیمش بگذار د تا در پایان فصل، رقابت‌ها را با جام قهرمانی تمام کند.

پرسپولیس در پایان نیم‌فصل نخست ۲۸ امتیاز به دست آورده است و در فاصله دوامتیازی با سپاهان و صدرنشین قرار دارد. فاصله‌ای که جبران آن نشدنی نیست و اوسمار امیدوار است در نیمه دوم مسابقات، بتواند تیمش را به صدر جدول برساند و در این جایگاه نگه دارد. برای رسیدن به این هدف، تقویت ترکیب تیم اصلی است که اوسمار با یک خرید خارجی، اولین قدم را برداشته است.

اوسمار از همان ابتدا که به نیمکت سرخ‌پوشان پایتخت

روبن آموریم مثل مورینیو، فن‌خال، تن‌هاخ و خیلی‌های دیگر از منچستر اخراج شد

همان همیشگی



و سیستم سه دفاعه جادویی‌اش از اسپورتینگ لیسبون آمده بود، حالا در همان مسیر ی قدم می‌گذاشت که پیش از او ژوزه مورینیو، لوئیس فن‌خال و اریک تن‌هاخ طی کرده بودند. او نیامده بود که اخراج شود؛ او آمده بود تا ساختار پوسیده یک امپراتوری سقوط کرده را از نو بسازد. اما حقیقت عریان فوتبال انگلیس، بی‌رحم‌تر از پیش‌بینی‌های او بود.

نوامبر ۲۰۲۴ را به یاد بیاورید. یونایتد در بدترین وضعیت ممکن بود. وقتی آموریم وارد فرودگاه منچستر شد، هواداران او را «برگزیده» می‌نامیدند. او با خود اعتمادبه‌نفسی آورده بود که مدت‌ها بود در راهروهای اولدترافورد دیده نمی‌شد.

سیستم ۴-۳-۳ و در پر تغال لرزه بر اندام رقبیان

انداخته بود و همه منتظر بودند تا ببینند او چگونه می‌خواهد با مهره‌هایی چون رشفورد و گارناچو، یک ماشین جنگی بسازد.

اما مشکل از همان روزهای اول شروع شد. آموریم یک ایده آل‌یست بود. او می‌خواست یونایتد را به‌زور در قالب تاکتیکی خود جای دهد. او معتقد بود باز یکنان باید با سیستم او سازگار شوند، نه او با بازیکنان. در حالی که در لیگ بر تر اعطاف‌پذیری حرف اول را می‌زند، آموریم بسر مواضع خود فشاری کرد.

نیم‌فصل دوم سال ۲۰۲۵، شروع سقوط آزاد بود. یونایتد که قرار بود برای سهمیه‌یچنگد، ناباورانه در جدول سقوط کرد. شکست‌های پیاپی و ناتوانی در اجرای پرس از بالا، باعث شد شیاطین سرخ فصل را در رتبه‌باور تکرندی پانزدهم به پایان برسانند. فاجعه اصلی اما در فینال لیگ اروپا رخ داد. جایی که آموریم فرصت داشت با یک جام، دهان منتقدان را ببندد. اما شکست در فینال، زخمی عمیق بر پیکره تیم‌وارد کرد. مدیریت جدید باشگاه، با وجود تمام فشارها، تصمیم گرفت به او فرصت دوباره بدهد. آنها تصور می‌کردند با خریدهای تابستانی، آموریم می‌تواند ورق را برگرداند. اما تابستان ۲۰۲۵، به جای بازسازی، به فصل بارشکی‌های سیاسی در داخل باشگاه تبدیل شد.

چیزی که آموریم را از پای در آور د، تنها نتایج داخل زمین نبود؛ بلکه جنگ قدرت در طبقات بالای مدیریت یی بود. جیسیون و یلکاکس، مدیر فوتبال و عمر براد، مدیر اجرایی، نگاه متفاوتی به آینده داشتند. آنها خواستار فوتبالی مبتنی بر مالکیت توپ و سیستم‌های منعطف‌تر بودند، اما آموریم خود، را فراتر از یک مربی معمولی می‌دید.

او در ژانویه ۲۰۲۶، زمانی که لیست خریدهای مورد نظرش توسط تیم مدیریتی رد شد، شمشیر را از رو بست. آموریم در کنفرانس‌های خبری‌اش به جای صحبت از تاکتیک، از عدم حمایت حرف می‌زد. او می‌گفت: «من اینجا نیستم که فقط مهره‌ها را در زمین بچینم، من معمار این پروژه هستم.» اما مدیران یونایتد معمار نمی‌خواستند؛ آنها کسی را می‌خواستند که تیم رده ششمی را به لیگ قهرمانان بازگرداند.

یکشنبه گذشته، بازی مقابل لیدز یونایتد، یکشنبه گذشته، بازی مقابل لیدز یونایتد، آخرین پرده از این نمایش تراژیک بود. تساوی یک-یک در زمینیه که یونایتد همیشه در آن حکمرانی می‌کرد، دیگر قابل تحمل نبود. نمایش

جلوه دادن دیگران برای جدایی‌اش. هر دو طرف در حال استفاده از احساسات هواداران هستند.

در دناک‌ترین بخش این داستان، باشگاه استقلال است. باشگاهی که به جای ساختار فنی، تبدیل به میدان تره‌بار شده است که در آن مربی و بازیکن سابق به هم تاسزا می‌گویند. هوادار این وسط چه گناهی کرده که باید شاهد این باشد که سر مربی فعلی‌اش (ساپینتو) و کاپیتان سابقش (حسینی)، هر دو در حال نقش بازی کردن هستند؟ ساپینتو با این حواشی نشان داد که تمرکزش روی زمین نیست؛ او مدام در حال پایش این است که چه کسی به او سلام کرده و چه کسی نکرده. حسینی هم نشان داد که هنوز در گیر گذشته است و نمی‌تواند با واقعیت فوتبال حرفه‌ای کنار بیاید.

ماجرا ساده است؛ هر دو طرف اشتباه کرده‌اند و هر دو طرف حداقل بخشی از حقیقت را نمی‌گویند. ساینوشوا اشتباه کرد چون اخلاق حرفه‌ای رافضای ولع بازگشت به تیمکت کرد. حسینی اشتباه کرد چون در حالی از اخلاق حرف می‌زند که خودش برای بازگشت، به همان آدم بی‌اخلاق پیام داد. این جنگ، برنده ندارد. تنها بازنده، فوتبال و هواداری است که فکر می‌کرد این آدم‌ها برای لوگو می‌جنگند. حالا مشخص شد که یکی برای صندلی می‌جنگد و دیگری برای بازوبند. آقای ساپینتو، آقای حسینی! پس کنید این نمایش رقت‌انگیز را. فوتبال ایران به اندازه کافی از فقدان شخصیت رنج می‌برد؛ شما دیگر نمک بر این زخم نپاشید. یکی با ادعای پدری خنجر می‌زند و دیگری با ادعای پسر ی حرمت می‌شکند. هر دو طرف در این لجن‌زار به یک اندازه سهم دارید.

شاید بتواند رقیب جدی‌ای برای مدعیان آقای گلی باشد. جالب است که یکی از مدعی‌های آقای گلی فصل جاری هم تیمی‌ایگور یعنی علی‌علیپور است. مهاجم پرسپولیس که یک بار تجربه آقای گلی در لیگ بر تر ایران را دارد و در برترین گلزن تاریخ سرخ‌پوشان در لیگ بر تر محسوب می‌شود، در نیم‌فصل نخست بیشتر ین گل را برای تیمش به ثمر رسانده است. او هر چند در جدول از رقیابیش‌عقب افتاده اما می‌تواند در نیم‌فصل دوم این فاصله را جبران کند. آنچه که برای اوسمار اهمیت دارد اما این است که زوج ایگورو و علیپور می‌تواند یک خط حمله زهره‌دار را تشکیل دهد. زوجی که دروازه ر قبارا به توپ ببندند و یک قهرمانی مقتدرانه را رقم بزنند.

سرگیف در عرصه ملی تجربه انجام ۸۱ بازی و ثبت ۲۴ گل برای تیم ازبکستان را دارد که یکی از گل‌های او برابر تیم ملی ایران به ثبت رسیده است. همچنین این بازیکن در لیگ نخنگبان / قهرمانان آسیا هم تجربه ثبت ۱۸ گل در ۴۳ بازی را در کارنامه‌اش دارد تا در قامت یک ستاره در فرست‌طلب و گلزن به عنوان اولین خرید زمستانی پرسپولیس معرفی شود.

کاروان تیم پرسپولیس روز گذشته عازم دو حه شد تا تباری اردوی ۹ روزه در کمپ اسپایر خود را به کشور قطر برساند. اما سرگیف با توجه به عدم اتمام مراحل رسمی شدن قرار دادرش، همراه سرخ‌پوشان به دو حه نرفت و قرار بود امروز به جمع سرخ‌پوشان ملحق شود و رسماً خود را به کادر فنی پرسپولیس معرفی کند. حالا هواداران این تیم منتظر دیدن ستاره جدیدشان در مستطیل سبز هستند و امیدوارند این خرید خارجی، آنها را رؤسفید کند.



آماری خیره‌کننده محسوب می‌شود. این مهاجم ازبکستانی تجربه بازی در سوپر لیگ چین و البته لیگ بر تر امارات را هم در کارنامه‌اش دارد.

این مهاجم ۲۸ ساله دو بار هم در سوپر لیگ ازبکستان عنوان آقای گلی را به دست آورده و بدش نمی‌آید که این عنوان را در لیگ ایران هم تصاحب کند. هر چند رقم خوردن این اتفاق در فصل جاری چندان محتمل به نظر نمی‌رسد اما اگر در فصل آینده شرایط خویش را حفظ کند و فرصت بازی زیادی به دست بیاورد،

بر گشت، تقویت ترکیب برایش اهمیت زیادی داشت. دلیل اصلی هم این بود که فهرست پرسپولیس با سبک بازی‌ای که اوسمار در ذهن داشت، هم خوانی نداشت. در نهایت اما با رسیدن فصل زمستان و با شدن درهای بازار، پرسپولیس وارد نقل و انتقالات شد و فعالیتش را با قطع همکاری با سرزآوریه و فرشاد احمدزاده آغاز کرد که البته هر دو مورد با نظر ویر انجام شد.

در ادامه هواداران منتظر بودند ببینند چه کسی قرار است پیراهن تیم‌شان را بر تن کند. ویرادر پست‌های مختلفی از جمله دفاع راست و دفاع چپ نیاز به تقویت تیمش می‌دید اما هیچ پستی به اندازه مهاجم برایش دغدغه ایجاد نکرده بود. برای این پست نام‌های مختلفی هم مطرح شد اما در نهایت ایگور سرگیف، ستاره نام‌آشنای ازبکستانی انتخاب نهایی اوسمار بود. بازیکنی که با باشگاه به توافق رسیده نخستین خرید زمستانی سرخ‌پوشان پایتخت تبدیل شد. قرارداد سرگیف یک و نیم ساله است و باید دید تا چه اندازه می‌تواند به اوسمار در پیساده کردن تفکراتش کمک کند.

ایگور با کارنامه خوبی راهی پرسپولیس شده است و انتظار می‌رود در تیم جدیدش هم روند قبلی را ادامه دهد. او در فصل گذشته پیراهن پاختاکور ازبکستان را به تن داشت و در ۲۸ بازی برای این تیم (در سوپر لیگ و جام حذفی ازبکستان و لیگ قهرمانان آسیا) ۲۵ بار دروازه ر قبارا گشود و مینه‌ساز سه گل هم شد. قبل از پاختاکور هم او در باتوم یونایتد تایلند حضور داشت و همچنین در کارنامه او حضور در فوتبال باشگاهی قزاقستان و هدمچین در کارنامه او حضور در فوتبال باشگاهی قزاقستان و هدمی‌شود. سرگیف در چهار برهه مختلف در پاختاکور حضور داشته که در ۲۶۲ بازی برای این تیم، ۱۴۵ گل به ثمر رسانده که